



العربیة | نرم افزار | آمار | زنده |
درس های امروز | راهنما | درباره ما

جستجو در همه دروس...

پیشرفته

درس خارج فقه استاد احمد عابدی

۹۹/۰۷/۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم
قم

مدرسه فیضیه
مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی
سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه
رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل های 1400 - 1401
پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین(ع)
مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشتقات

موضوع: کتاب البيع/النقد و النسیه /بیع الاستجرار

چند مساله در باب نقد و نسیه هست که در مکاسب و کتابهای دیگر

بحث نشده است.

بیع استجرار

مساله اول بیع استجرار است. قدیم شخص به مغازه می رفت و مثلا

یک کیلو گوشت می خرید بدون اینکه قیمت بپرسد. قصاب روی

چوب یک خط می کشید. چند بار این مساله تکرار می شد، و بعد از

مدتی چوب را می آوردند و حساب می کردند. این را بیع استجرار

می گویند. یعنی کسی اندک اندک چیزی را می گیرد و اصلا اسمی از

بیع و شراء نیست و قیمت هم مشخص نیست و بعد از مدتی آن را

حساب می کند.

اگر ضوابطی که در مکاسب آمده است ملاک باشد، باید بگوییم این

بیع باطل است. مثلا در مکاسب گفته شده: «للاجل قسط من الثمن»

باید اجل مشخص باشد در حالیکه اینجا اجل مجهول است.

لغت استجرار یعنی جذب چیزی با تاخیر. در قدیم به این معاملات،

معاملات المدینه المنوره می گفتند.

چند احتمال درباره اینکه این معامله چه نوع معامله ای است، وجود

دارد:

ثبت نام بخش زنده
ثبت نام
ویرایش اطلاعات
نرم افزار بخش زنده-رایانه
نرم افزار بخش زنده-اندروید
سایت‌های مرتبط
کتابخانه مدرسه فقهت
ویکی‌فقه
ویکی‌پرسش
تقریر مدرسه فقهت
سطوح عالی

احتمال اول: این معامله بیع نیست، بلکه قرض است. این بدهی‌ها جمع می‌شود و پس از مدتی ذمه‌اش را که مشغول است از او می‌خرد.
احتمال دوم: اصلاً معامله نیست بلکه بحث ضمان متلفات است. اینجا هم مال قصاب را می‌گیرد و تلف کرده است لذا ضامن است. اگر این احتمال را بپذیریم باید قیمت واقعی باشد نه قیمت مسمی.

احتمال سوم: این معامله بیع است. اگر بیع باشد، قیمت یوم الشراء ملاک است یا قیمت یوم العطاء؟ در این احتمال مشکلی وجود دارد که باید ثمن هنگام معامله مشخص باشد و در چنین معامله‌ای ثمن معلوم نیست. و نیز باید مدت نسیه معلوم باشد که در اینجا مجهول است. در این صورت معامله باطل است.

این معامله دارای شرایط عقد بالصیغه نیست پس نه بیع است، نه صلح است و نه اجاره. معاطات هم نیست چون باید هر دو جنس موجود باشد.

اینکه گفته اند: «العقود تابعه للقصود» هم در اینجا جاری نیست چون قصد بیع نیست.

اگر گفته شود طبق ضوابط این گونه معاملات باطل است، می‌گوییم متسرعه چنین معاملاتی را انجام می‌دهند، مثلاً در نجف علماء و طلبه‌ها چنین می‌کرده‌اند.

به عنوان مثال نان و گوشت می‌گرفته‌اند و به جاری شهریه، قرض آنها را پرداخت می‌کرده‌اند.

در فقه اهل سنت هست که هر چیزی که مورد معامله است باید مبیع حین العقد موجود باشد و بیع معدوم باطل است، لذا چنین بیعی که هنگام پرداخت ثمن، مبیع معدوم است باطل است.

از نظر فقه شیعه لازم نیست مبیع موجود باشد، بلکه ممکن است مبیع کلی باشد، و یا ما فی الذمه باشد، و یا خود ذمه باشد یعنی

ذمه اش را از طرف مقابل بخرد. لذا مشکل این معامله آن است که
اولا اجل مجهول است؟ ثانيا ثمن مجهول است؟
ثالثا: این معامله چیست؟



www.baharsound.ir, www.wikifeqh.ir, lib.eshia.ir